

هرچه ما غفلت کردیم دوبی بیشتر رشد کرد!

مناطق آزاد ایران همچنان در خواب و خیال

ایسنا: در شرایطی که مناطق آزاد متعدد کشورمان در سواحل جنوبی قرار بود به مرکز تجارت منطقه تبدیل شوند این فرصت به سادگی در اختیار کشوری قرار گرفت که با جذب سرمایه ایرانیان و استفاده از توان آنها به پیش می تازد.

امتیازات از دست رفته ایران

جزیره کیش هیچ گاه به نقش برنامه ریزی شده آن دست نیافت و تمامی نقش تجاری، توریستی و ارتباطی آن را، که از سه دهه پیش برنامه ریزی شده بود، دوبی تصاحب کرد و با گذشت نزدیک به دو دهه از فعالیت منطقه آزاد کیش هنوز صرفاً در مقیاس جذب گردشگر داخلی، مرکز خرده فروشی و تجارت چمدانی، سرمایه گذاری ساختمانی موفق بوده و با اهداف عالی مناطق آزاد در پردازش و توسعه صادرات ملی فاصله بسیار دارد. توقف سرمایه گذاری خارجی در ایران، قطع یک باره روند ورود گردشگران خارجی به ایران جایگزینی تدریجی فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) نقش ترانزیت فرودگاه بین المللی تهران: تنها بخشی از امتیازات از دست رفته ایران بود که با فرصت طلبی دوبی بخش عمده ای از بازار ایران نصیب دوبی شد.

فرصتی دیگر برای دوبی

جنگ دوم خلیج فارس که عراق و کویت در آن درگیر شدند فرصتی دیگر برای امارات پدیدار ساخت و عملاً بخش عمده سرمایه های ارزی کلان کشور کویت به امارات سرازیر شد ضمن آنکه بخش دیگری از بازار پرسود طلا و جواهر که ابتدا



در خرمشهر و بصره مستقر بود و در خلال جنگ تحمیلی ایران و عراق به کویت منتقل شده بود به دوبی انتقال یافت و امروزه شاهد شکل گیری منطقه آزاد الماس و جواهر در دوبی هستیم و امارات پس از عربستان سعودی دومین بازار پر رونق طلا و جواهر خاورمیانه محسوب می شود.

فروپاشی شوروی سابق و روی آوردن کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه به کشورهای جنوب به ویژه ایران بازار گسترده جدیدی، در پیش روی کشورهای خاورمیانه قرار داد. اما متأسفانه فرصت سوزی، باعث سلب اطمینان آنان و کسب این جایگاه توسط دوبی شد. امروزه دوبی یکی از مراکز اصلی مبادلات و تجارت آسیای میانه محسوب می شود و نقش ایران صرفاً به حمل کالا میان دوبی تا آسیای میانه تنزل یافته است و بخش عمده بازار آسیای میانه در اختیار دوبی قرار گرفته است. با تامل در آنچه بدان اشاره شد، مشخص می شود آنچه منشأ تحولات دوبی بوده است، نگرش استراتژیک آن به محیط پیرامون و تحولات منطقه بوده است به گونه ای که علی رغم ضعف شدید محیط درونی امارات و دوبی و فقدان تمامی زیرساخت ها و امکانات توسعه، با بهره بردن از تمامی تحولات منطقه و تبدیل تهدیدات عمومی منطقه شامل جنگ های متعدد خلیج فارس و خاورمیانه، به فرصت های طلایی توسعه، امروزه از بازارهای متنوع خاورمیانه و آسیای میانه فراتر رفته و به مرکزی مطمئن برای انواع فعالیت های اقتصادی در سطح جهان تبدیل شده است.

چرا دوبی؟

متأسفانه تفکر و سیاست های کلی مسوولان کشور بر پایه واردات شکل گرفته و در این وضعیت دوبی یا هر کشور دیگری برای مسوولان و سرمایه داران فرقی نمی کند. پایه اصلی مناطق آزاد کشورمان نیز بر پایه واردات گذاشته شده و برای چنین مناطقی کشور امارات نزدیکترین مرکز برای خرید و فروش خواهد بود، چرا که نزدیکترین و بزرگترین مرکز انبار کالاهای منطقه است. منطقی به نظر می رسد که دوبی ایران را بزرگترین وارد کننده کالاهای خود قرار دهد، چرا که بیشترین جمعیت و تقاضا را از ناحیه ایران دریافت می کند.

بازار دوبی برای بازرگانان و شرکت های ایرانی به محلی مناسب، نزدیک و تبدیل به باراندازی شده است که بیشتر کشورهای صنعتی ارتباط تنگاتنگی با آن دارند. با توجه به سرمایه گذاری هایی نظیر استفاده از اعتبارات اسنادی ارزان تر در دوبی، امکان استفاده سرمایه گذاران از وام های ارزان تر نسبت به داخل فراهم شده و حتی با خرید اوراق مشارکت و گذاشتن آن در دوبی به عنوان ضمانت، وام هایی را دریافت می کنند و به این شکل سیکلی پر سود را از این مسیر ایجاد کرده اند که راضی به قطع آن نیستند. در شرایطی که مناطق آزاد متعدد کشورمان در سواحل جنوبی قرار بود به مرکز تجارت منطقه تبدیل شوند این فرصت به سادگی و بطور دربیست در اختیار کشوری قرار گرفت که با جذب سرمایه ایرانیان و استفاده از توان آنها به پیش می تازد. به دنبال غفلت مسوولان اقتصادی از رشد و توسعه مناطق آزاد جنوبی کشورمان در سالهای اخیر، مناطق آزاد کشورهای عربی از جمله دوبی آنچنان رشد یافته

سی سال جنایت فرهنگی با استناد به مصوبه ای کذایی!

گفتگویی در باب حق تحصیل بهائیان، مجموعه فعالان حقوق بشر

گویا نیوز: پیرو گفتگو با جوانان بهایی محروم از تحصیل در تاریخ ۸۶/۶/۱۶ (شماره: ۱۰۰۴-۸۷) روشن گردید همواره مسئولین مربوطه محرومیت از تحصیل بهائیان را به مصوبه ای از شورای انقلاب فرهنگی ارجاع داده اند. حال با توجه به اسنادی که اخیراً به دست مجموعه فعالان حقوق بشر رسیده بر آن شدیم تا گفتگویی مجددی با این جوانان بهایی محروم از تحصیل داشته باشیم.

اعلام شد اما اجازه انتخاب رشته داده نشد.

در ادامه این ۲ جوان به نامه ای از حراست وزارت علوم به ۸۱ دانشگاه کشور اشاره میکنند که به امضای مدیر کل حراست مرکزی وقت وزارت علوم "اصغر زراعی" رسیده است و در آن به مصوبه ای از شورای انقلاب فرهنگی به شماره ی ۱۳۲۷/م/س مورخ ۶۹/۱۲/۶ استناد شده است. طی مراجعات متعدد این دو دانشجوی محروم از تحصیل به شورای انقلاب فرهنگی



از تحصیل محروم شده اند. همواره مسوولان مربوطه اخراج دانشجویان را مستند به مصوبه پرابهام و محرمانه شورای انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱/۶/۶۹ می نمایند. حال سؤال این جاست با توجه به اینکه تمامی مصوبات شورای انقلاب فرهنگی در سایت این نهاد وجود دارد چرا این مصوبه در سایت رسمی شورای انقلاب فرهنگی (www.iranculture.org) موجود نیست؟ آیا صحیح است قانونی که در کشوری اجرا می شود پنهانی و محرمانه باشد؟ این اقدام همانند

حرکت زشت کودکی است که از ترس تشبیه اشتباه خود را پنهان می کند. اگر محرومیت بهائیان از تحصیل قانونی و انسانی است باید علناً تصویب و بیان شود تا همگان شاهد این جنایت فرهنگی باشند.

طبق اظهارات عده ای در رسانه ها در روزهای اخیر محرومیت بهائیان از ابتدای دولت آقای احمدی نژاد آغاز شده است. آیا این ادعا درست است؟

نویدخانجانی در اظهارات خود این گونه پاسخ میدهد که این محرومیت مربوط به دوره ی خاصی از حکومت جمهوری اسلامی نبوده و در حدود ۳۰ سال است که بهائیان از تحصیل محروم می باشند. و این اظهارات که محرومیت بهائیان از تحصیل یا تاریخ روی کار آمدن دولت احمدی نژاد تقارن دارد کاملاً اشتباه می باشد. و آقای احمدی نژاد در راستای سیاست های ۳۰ ساله حکومت عمل نموده و دلیل اینکه در دوره ایشان این محرومیت بیشتر نمایان شده این بود که بهائیان تا قبل از سال ۸۳ اجازه شرکت در کنکور نداشتند و هیچ آمار دقیقی از محرومیت در دسترس نبوده است و گرنه این محرومیت داستان جدیدی نیست.

از ابتدای انقلاب تا سال ۸۳ جوانان بهایی حتی از شرکت در کنکور محروم بودند اما فشارهای بین المللی باعث شد تا از سال ۸۳ گزینه مذهب از فرم ثبت نام برداشته شود و بهائیان اجازه یافتند تا بعد از سال ها در کنکور شرکت نمایند. و از سال ۸۳ تا ۸۷ بهائیان هر ساله در کنکور شرکت کرده اند و اما این پایان محرومیت ها نبوده و اذیت ها به مرحله بعد از کنکور واگذار شده . و عده ای از آن سال به بعد وارد دانشگاه شدند و بعد از چند ترم از دانشگاه اخراج شدند، تعدادی نقض پرونده شدند و اصلاً رتبه و کارنامه ای به آنها داده نشد، و به عده ای رتبه ها

اند که واردات بی اندازه و حتی قاچاق کالا از این مناطق، ضربه های جبران ناپذیری بر اقتصاد کشورمان وارد کرده است.

بخش دریایی خلیج فارس سالانه پتانسیل تجارتی بالغ بر یک میلیارد دلار دارد

مسوولان بازرگانی منطقه آزاد تجاری دوبی معتقدند دروازه های بازار ایران همچنان به روی صادر کنندگان مجدد کالا از دوبی باز خواهد بود و ایران به عنوان وارد کننده از دوبی نقش خود را ایفا خواهد کرد. امروزه بحث ترانزیت و درآمدهای چشمگیر حاصل از آن مورد توجه محافل تجاری دنیا از جمله کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس قرار گرفته است.

در حال حاضر بخش دریایی خلیج فارس سالانه پتانسیل تجارتی بالغ به یک میلیارد دلار دارد که این رقم به سرعت در حال رشد است و از جمله دلایل این رشد: توسعه اقتصادی خلیج فارس، افزایش تجارت منطقه ای، اکتشافات در زمینه گاز و نفت، توسعه تجارت کشتیرانی و باز شدن بازار عراق ارزیابی می شود. با این وجود باید این سوال مطرح شود که ایران چه سهمی از رشد تجارت خلیج فارس را به خود اختصاص داده است؟ و چرا تاکنون در این خصوص آمار دقیقی منتشر نشده است؟ و یا اینکه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در کدام نقطه از توسعه تجارت کانتینری قرار دارد؟ در حالی که نیمی از درآمدهای تجارت دریایی و ترانزیتی خلیج فارس در اختیار شهر دوبی در کشور امارات قرار دارد.

مسوولان منطقه آزاد دوبی انتظار دارند با توسعه «شهر دریایی دوبی» که احداث آن آغاز شده است، سرعت رشد خود را با ارائه خدمات دریایی افزایش داده و به نحوی بازارهای غربی از دست داده را بازیابند.

خروج سالیانه میلیون ها دلار سرمایه

حال باید پرسید، شهرهای خشک و بیابانی کشورهای عربی چه مرتبتی نسبت به کشورمان دارند؟ این همان سوالی است که با وجود مشخص بودن پاسخ آن مسوولان اقتصادی با غفلت چندین ساله چاره ای برای آن نیندیشیده اند. در چنین شرایطی باید دید که مسوولان اقتصادی کشورمان چه تدابیری برای مقابله با این وضعیت در پیش خواهند گرفت؟ علاوه بر سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران که تاکید دارد

در رابطه با این مصوبه مسئولین شورای انقلاب فرهنگی اظهار داشتند که تمامی مصوبات شورا در سایت این نهاد موجود میباشد و طی صحبت های آقایان میثاقی و خانجانی در دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی با خانم "صالحی"، ایشان و بقیه مسئولین در دبیرخانه وجود این مصوبه به چنین شماره ای را منکر شدند و آنها نیز از دیدن این نامه و شماره غیر معمول آن متعجب شدند و اعلام داشتند که چنین مصوبه ای وجود خارجی ندارد و در نهایت نیز پیگیری این دو جوان باعث اخراج آنان با تهدید حراست و اطلاعات از ساختمان شورای انقلاب فرهنگی شد و اجازه ملاقات با هیچ یک از مسوولین را به آنها ندادند! پس از آن این دو دانشجوی محروم از تحصیل به حراست وزارت علوم مراجعه نمودند و در رابطه با نامه فوق الذکر که در حراست وزارت علوم شماره و به امضای مدیر کل حراست مرکزی وزارت علوم اصغر زراعی رسیده و به حراست ۸۱ دانشگاه ابلاغ شده و در آن محرومیت بهائیان از تحصیل را طبق مصوبه کذایی به شماره ۱۳۲۷/م/س مورخ ۶۹/۱۲/۶ اعلام میدارد سوال میکنند. که این سؤال نیز بی پاسخ می ماند. حال سوال این است که آقای "اصغر زراعی" مدیر کل حراست مرکزی وزارت علوم در نامه خود به حراست ۸۱ دانشگاه به چه مصوبه ای استناد نموده است و ایشان چرا با استناد به مصوبه ای که وجود خارجی ندارد دستور محرومیت بهائیان را به حراست ۸۱ دانشگاه داده است؟! در پایان نوید خانجانی و حسام میثاقی تحصیل را حق مسلم خود می دانند و ادعا می نمایند که هیچ قانون و مصوبه ای مبنی بر محرومیت بهائیان از تحصیل وجود ندارد و مصوبه ای که سالهاست به آن استناد می شود وجود خارجی نداشته و اگر مصوبه ای قانونی در رابطه با محرومیت بهائیان از تحصیل تصویب شده است و با وجود خارجی دارد باید به شکل رسمی و علنی اعلام شود.

«ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل»، جای تأسف است که روز به روز شاهد کاهش رشد و جایگاه خود در بین سایر کشورهای منطقه هستیم. در حالی که شاید به جرات بتوان گفت کشور ما از نظر موقعیت ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک جایگاه ویژه ای را در منطقه دارد و شاید توان و استعداد مردم ایران زمین را در کمتر جایی بتوان یافت.

چرا سالیانه شاهد بازدید هزاران توریست ایرانی از دوبی هستیم که آن را آرزوی برای خود دانسته، در حالی که این موضوع منجر به خروج سالیانه میلیون ها دلار سرمایه از کشورمان به دبی تنها برای خرید می شود، سرمایه گذاری های هنگفت ایرانیان که باعث قنبد به داشتن یک واحد مسکونی یا تجاری در دوبی باعث رونق برج سازی در دبی شده است، به طوری که به گفته مسوولان دوبی اکثر این واحدها توسط ایرانیان خرید یا پیش خرید شده، اینها همه نمونه های کوچکی از خروج سرمایه از کشور ما به دوبی است.

آیا تنها گوشه ای از کشور ما از جمله کیش یا قشم از حیث جاذبه گردشگری قابل مقایسه با کشور دوبی است؟! چرا مناطق آزاد حتی جدید التاسیس ما از جمله ارس، انزلی و اروند با اینکه چندین سال از تاسیس آنها می گذرد بواسطه سیاست های نادرست کلان ناشی از سرزمین اصلی هنوز ماهیت اصلی خود را به عنوان مناطق آزاد پیدا نکرده اند و جذب سرمایه گذار در آنها به کندی صورت می گیرد، در حالی که منطقه آزاد تجاری دوبی در عرض تنها پنج ساله از یک بیابان به مرکزی که شاید نظیر آن را کمتر در منطقه می توان یافت، تبدیل شده است. به گفته مسوولان این منطقه فراموش کردن نفت و اتکا به توسعه و تجارت در این منطقه دلیل اصلی رشد و توسعه این کشور در سالیان اخیر بوده است.

چرا سرمایه گذار خارجی همواره با شک و تردید وارد کشور شده درحالی که از تمامی کشورها و هر گونه نژادی را در کشور مزبور می توان یافت، حیث است کشوری با توان و قدرت ما با سیاست های نادرست جایگاه اصلی خود را از دست بدهد؟! حیث است که کشور ما با فرصت سوزی های پیش رو، عامل اصلی رشد دوبی تلقی شود!